

ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه مهارت حل مسئله بر اساس منابع اسلامی*

جعفر علی گلی فیروزجائی

کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.
عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی

jafaraligoli@gmail.com

محمد رضا احمدی

استادیار گروه روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.
عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی

m.r.Ahmadi313@Gmail.com

رحیم میردریکوندی

استادیار گروه روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.
عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی

mirderikvandi@qabas.net

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه مهارت حل مسئله، بر اساس مبانی نظری اسلامی انجام گرفت. برای مطالعه منابع اسلامی از روش تحلیل محتوا و برای ارزیابی روایی و اعتبار آزمون، از روش پیمایشی با انتخاب تصادفی طبقه‌ای، نمونه ۱۰۰ نفری از میان طلاب علوم دینی بهره گرفته شده است. ساختار برداشت شده از منابع اسلامی برای حل مسئله عبارت‌اند از: کنترل هیجان، شناخت و تعریف مسئله، شناسایی اهداف و موانع، تفکر خلاق و مشورت، تصمیم‌گیری، توکل و توسل، ارزیابی فرایند و سبک‌های ناکارآمد عجله‌ای و اجتنابی؛ همچنین، دو مؤلفه اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مسائل و خوش‌بینی یا بدبینی. روایی این ساختار از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی طبق ساختار لیکرت چهار گزینه‌ای با میانگین کل ۳/۶۲ و واریانس ۰/۲ محاسبه شد. روایی گویه‌ها با

میانگین ۳/۵۱ و واریانس ۰/۳۷ به دست آمده است. برای سنجش روایی ملاکی، نسخه ۸۰ سؤالی این آزمون هم‌زمان با آزمون حل مسئله اجتماعی نزو و دیزوریل اجرا شد. نتیجه، هم‌بستگی ۰/۸۸ با معناداری ۰/۰۱ را نشان داد. هم‌بستگی بالا بین مؤلفه‌ها با کل آزمون و بین گویه‌ها نشان‌دهنده روایی سازه بود. اعتبار آزمون به واسطه بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ در سطح ۰/۹۶ به دست آمد. دونیمه‌سازی نیز اعتباری در حد ۰/۹۳ و ۰/۹۵ برای دونیمه را نشان داد؛ بنابراین، این آزمون از اعتبار و روایی مناسب بهره‌مند است.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله، ساختار اسلامی، مهارت، آزمون، روایی و اعتبار.

مقدمه

آفریده‌های الهی مانند این دنیا و همه انسان‌ها به جهت معلول و مخلوق بودن، همواره با محدودیت‌هایی مواجه هستند و هر جا که محدودیتی باشد مسئله و تضادی به دنبال خواهد داشت (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۴۵۹)؛ بنابراین، زندگی انسان در این دنیا همراه با مشکل است اما این بدان معنا نیست که زندگی کردن مشکل است. بلکه بدین معنا است که «در زندگی» مشکل وجود دارد و انسان‌های موفق «با زندگی» خود مشکل ندارند، ایشان از زندگی خویش رضایت دارند (پسندیده، ۱۳۹۰: ص ۷) و این رضایت را به واسطه مهارت‌هایی کسب کرده‌اند و سعی در تقویت آن دارند. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها، مهارت حل مسئله است که بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی-رفتاری را در بین مهارت‌های زندگی به خود اختصاص داده است؛ به این معنی که برای حل صحیح مسائل پیش‌نیازهای زیادی ضروری است. هر چه این پیش‌نیازها، سالم‌تر و بیشتر فراهم باشند، مراتب سالم‌تری از حل مسئله امکان‌پذیر خواهد بود (هپنر و دیکسون، ۲۰۰۴: کوک و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۶۱).

متنو و سولبرگ حل مسئله را سطح بالایی از فعالیت شناختی می‌دانند که در موقعیت‌هایی ایجاد می‌شود که فرد پاسخ حاضر یا در دسترس برای آن ندارد (به نقل از راث و همکاران، ۲۰۱۱). نزو و دیزوریل (۲۰۱۲)، تحقیقات گسترده‌ای در این موضوع ارائه کرده‌اند. ایشان حل مسئله را فرایندی می‌دانند که فرد یا افراد سعی می‌کنند مشکلات گذرا یا زمان‌بری را که روزمره با آن مواجه هستند تعریف کرده و با تولید یا توسعه راه حل‌هایی، به‌طور مؤثر با آنها مقابله کنند (نزو و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۸). به این ترتیب، حل مسئله فرایندی هشیارانه، منطقی، تلاش‌بر و فعالیتی هدفمند است که به منظور بهتر شدن وضعیت در موقعیت‌های پیچیده، تغییر یا کاهش هیجان‌های

منفی و یا هر دو نتیجه طراحی می‌شود (واکلینگ، ۲۰۰۷).

یک «مسئله» (مشکل) یا موقعیت مسئله‌دار، به ناهماهنگی و تفاوت بین پاسخ‌های مفید در دسترس فرد و درخواست انطباق از طرف محیط گفته می‌شود و یا به هر وظیفه یا موقعیت زندگی حاضر یا مورد انتظار گفته می‌شود که نیازمند پاسخی مؤثر برای رسیدن به یک هدف یا حل تعارض است، درحالی‌که فرد اکنون پاسخی حاضر یا در دسترس ندارد (لامانا و استرن، ۲۰۱۲: ص ۷). مسائل به دو دسته مشخص (خوب تعریف‌شده) و مبهم (سخت تعریف‌شده) تقسیم می‌شوند؛ در دسته اول، موانع، اهداف و شیوه حل آنها مشخص است مانند کاهش هزینه رفت و آمد؛ برخلاف مسائل دسته دوم که راه حل مشخصی برای پاسخ در دست نیست یا چندین پاسخ متنوع و متضاد وجود دارد، مانند انتخاب همسر، مواجهه با طلاق یا مشکلات شغلی و مانند اینها (استرنبرگ و دیویدسون، ۲۰۰۳: ص ۵).

حل مسئله غیر از اجرای راه حل است. مفهوم این دو فرایند و همچنین، مهارت‌های آنها از یکدیگر متفاوت هستند (بلزرا، مایدو و دیزوریلا، ۲۰۰۲)؛ علاوه بر این، با حل مسئله آزمایشگاهی که در علوم پایه به کار برده می‌شود متفاوت است. حل این نوع مسائل به منظور یادگیری مواد آموزشی کاربرد دارند اما در اینجا آموزش مهارت حل مسئله فرایندی فراشناختی است که به چگونه اندیشیدن و چگونگی پاسخ برای مقابله مؤثر با مسائل زندگی توجه دارد (بیانی و بیانی، ۱۳۸۹). حل کارآمد مسائل بزرگ و کوچک زندگی در سطح فردی بر بهزیستی و کاهش استرس مؤثر است (سو و شک، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰). فراتحلیل‌ها و تحقیقات نشان داده‌اند آموزش حل مسئله اثر مثبتی بر سلامت فیزیکی و روان‌شناختی (مالوف و همکاران، ۲۰۰۷)، انگیزه پیشرفت (کسیدی، ۲۰۰۲)، تنظیم توجه (نشاطدوست و همکاران، ۱۳۸۰)، کاهش وزن (پری و همکاران، ۲۰۰۱)، مقابله مؤثر با سرطان (آلن و همکاران، ۲۰۰۲، می‌پرز و همکاران، ۲۰۱۱)، هوش هیجانی (زارعان و همکاران، ۱۳۸۶) و به صورت کلی بر سلامت عمومی (محمدی، ۱۳۸۳) دارد.

همچنین، تحقیقات زیادی، کارآمدی درمان مبتنی بر حل مسئله را برای دامنه گسترده‌ای از اختلالات روان‌شناختی نشان داده‌اند (دیزوریلا و نزو، ۲۰۱۰: ص ۳۲۷) از قبیل شیزوفرنی (لیبرمن و همکاران، ۲۰۰۱، گلین و همکاران، ۲۰۰۲)، افسردگی (بل و دیزوریلا، ۲۰۰۹)، مک‌کلور و همکاران، ۲۰۱۰)، اختلال دوقطبی (حجاری و همکاران، ۱۳۸۵) اختلالات اضطراب و استرس (دوگاس و همکاران، ۲۰۰۳)، افکار و انجام خودکشی (پری و همکاران، ۲۰۰۳) اختلال پس‌ضربه (احمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) سوءاستفاده و اعتیاد به مواد (دریر و همکاران، ۲۰۰۵)، اختلالات شخصیت (علیلو و همکاران، ۱۳۸۸، مک‌موران و همکاران، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸)

و بقیه مشکلات طبی و روان‌شناختی (نزو و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۴۱).

همچنین، در سطح بین‌فردی تحقیقات نشان داده‌اند که توانمندی افراد در حل مسئله موجب بهبود در موارد زیر خواهد بود:

میزان سازگاری زناشویی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۳)، سازگاری اجتماعی (بیکر، ۲۰۰۳)، کفایت اجتماعی (معتمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، کاهش رفتار مجرمانه (مک‌موران و مک‌گور، ۲۰۰۵، نزو و همکاران، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، روابط مثبت خانوادگی (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷)، افزایش توان مواجهه با معضلات فردی و اجتماعی (محمودی‌راد، ۱۳۸۱)، روابط اعضا و بهزیستی خانواده (سو و شک، ۲۰۰۵)، افزایش سطح سلامت روان‌شناختی (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲) و ارتقای مهارت‌های اجتماعی (خوشکام و همکاران، ۱۳۸۷).

حل یک مسئله یا مشکل در متون شیعه از دو جهت قابل بررسی است؛ نخست، مراحل حل مسئله توصیه شده تا طبق آن یک مسئله حل شود؛ دوم، جهت‌گیری فکری درباره مسائلی که بر حل آن تأثیر مستقیم دارد. دورنمایی از این مستندات فراوان در ادامه فهرست می‌شوند. مراحل حل مسئله از این قرار است:

۱. کنترل هیجان: «فرد دیندار می‌اندیشد، به آرامش دست می‌یابد، ... و پایان کار را می‌نگرد، از پشیمانی در امان می‌ماند» (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۵۲)؛ «زمانی که مشکلی بر تو رسید پس بنشین که برخواستن تو در مشکل موجب زیادی آن خواهد بود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۲۹۲).

۲. شناخت مسئله: «قبل از اینکه وارد مسئله‌ای شوی توقف کن تا محل ورود و خروج آن را بشناسی وگرنه پشیمان می‌شوی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ص ۳۰۴)، جمع‌آوری اطلاعات: «تا کاری را نشناختی شروع نکن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۷۴۳). همچنین، منابع دینی شناخت و حساسیت به پیش‌فرض‌های موجود در ذهن را از ما می‌خواهند: «اندیشه‌های خود را (درباره مسائل) متهم کنی که اعتماد به آن خطا است» (همان: ص ۱۵۸).

۳. توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله؛ توجه به اهداف نهایی در حل مسائل زندگی: «ای کسانی که ایمان آوردید خدا را یاری کنید نه هوای نفس و شیطان را» (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۷۵)؛ توجه به اهداف مسئله: «آنچه را مهم نیست رها کن و مشغول امور مهم شو» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۸۱۸)؛ تشخیص موانع: «کسی که مشکل کاری را نداند نمی‌تواند از آن دوری کند» (همان: ص ۶۵۴).

۴. تفکر و مشورت: «هرگاه خواستی کاری انجام دهی با علم و اندیشه باشد» (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۴۵۸)؛ «ایده‌های صحیح با پرواز فکر به دست می‌آید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ق: ص ۵۷)؛ «ایده‌های دیگران را با هم مخلوط کن تا نظر صحیح از آن بیرون آید کسی که خودرأی باشد خود را به خطر انداخته» (نوری، ۱۴۰۸: ق: ج ۱۲، ص ۴۶).

۵. تصمیم‌گیری: «زمانی که بر کاری تصمیم گرفتی به پیامدهای آن فکر کن اگر خوب بود سریع اقدام کن و اگر مناسب نبود دست نگه‌دار» (کلینی، ۱۴۰۷: ق: ج ۸، ص ۱۵۰)؛ «بشارت بده به بندگانی که نظرات را می‌شنوند و بهترین آن را پیگیری می‌کنند» (زمر: ۱۷).

۶. توکل و توسل: «در امور مهم از خدا مدد بگیر» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ق: ص ۴۲۱)؛ توکل درجاتی دارد، از حضرت علی (علیه السلام) درباره معنای آیه «کسی که بر خدا توکل کند خدا او را بس است» (طلاق: ۳) پرسیدند ایشان مقام «رضا» و «تقویض» را ذکر کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ق: ج ۲، ص ۴۶۷)؛ همچنین، مقام «استعانت» از دیگر درجات آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۳۷۳). امام رضا (علیه السلام) درباره توسل می‌فرماید: «زمانی که مشکلی بر شماروی آورد با توسل به اهل بیت (علیهم السلام) از خداوند یاری بخواهید» (مفید، ۱۴۱۳: ق: ص ۲۵۲).

۷. ارزیابی فرایند: «حفظ تجربیات گذشته (و به کارگرفتن آنها نوعی) دوراندیشی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ق: ص ۴۴۴).

در مقابل مراحل بالا، برخی با سبک اجتنابی مسائل را از خود دور می‌کنند که در متون اسلامی چند نشانه دارد: الف) سستی و تأخیر: «زمانی که سختی به تو رسید اگر چاره‌ای داشتی از خود سستی نشان نده و اگر چاره‌ای نداشتی بی‌طاقتی نکن» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ق: ج ۲۰، ص ۳۱۰)؛ ب) نگرانی و غصه: «از دو خصلت پرهیز؛ بی‌حوصلگی و ناراحتی، زیرا اگر بی‌حوصله باشی بر حق شکیبایی نکنی و اگر ناراحتی نشان دهی نمی‌توانی حقوق را ادا کنی» (کلینی، ۱۴۰۷: ق: ج ۵، ص ۸۵)؛ ج) وابستگی: «باید در قلب تو نیازمندی به مردم و بی‌نیازی از ایشان هر دو با هم جمع باشد؛ نیازمندی به این معنی که با آنان نرم سخن گویی و گشاده‌رو باشی و بی‌نیازی به این معنی که عرض خویش نبری و عزت خود را پاس داری» (همان: ج ۲، ص ۱۴۹).

همچنین، برخی با سبک عجله‌ای همواره مسائل را از خود دور می‌کنند که در متون اسلامی به آن نیز هشدار داده شده است: «پرهیز کن از اینکه پیش از موعد در کارها شتاب کنی، یا در موعد انجام آن را ناتمام گذاری، یا در کارهایی که راه راست در آنها آشکار نیست لجاجت به خرج دهی، یا چون وضع روشن شد سستی کنی؛ بنابراین، هر چیز را در جای خود قرار ده، و هر کار را در هنگام

خود به انجام رسان» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۴۴۴).

با وجود مراحل ذکر شده، جهت‌گیری فکری در مسائل زندگی بر شیوه حل آنها تأثیرگذار است. در متون اسلام نوع نگاه به مسائل در دو بعد قابل جمع است:

۱. اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مشکلات زندگی: قرآن کریم خوشی‌ها و سختی‌های زندگی را آزمایش الهی معرفی می‌کند (بقره: ۱۵۵) که موقتی هستند نه دائمی (شرح: ۶) و با توجه دادن به اراده الهی در تقدیر آنها، تحمل آن را برای مؤمنین امکان‌پذیر می‌داند (توبه: ۵۱). البته آزمایش‌های الهی با در نظر گرفتن توان وجودی انسان است (بقره: ۲۸۶) که هر چه ایمان فرد افزایش می‌یابد بر آزمایش‌های او نیز افزوده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۲۵۲). همه انسان‌ها دچار مشکل می‌شوند اما تحمل آن برای انسان مؤمن پاداش و حمایت الهی را به همراه دارد (آل عمران: ۱۴۰). هدف از این آزمایش‌ها از یک طرف، رسیدن به سعادت در آخرت است (آل عمران: ۱۸۶) و از طرف دیگر، حل این مسائل در دنیا برای انسان‌ها سودهایی به دنبال دارد (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۴۱۸).

۲. خوش‌بینی یا بدبینی به مسائل: آنها که به خداوند ایمان دارند و مسائل زندگی را آزمایش الهی می‌دانند خود را تنها ندانسته و به حمایت الهی خوش‌بین هستند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۷۲). همچنین، آنها به قول و کار مؤمنین و افرادی که خیانت نمی‌کنند خوش‌بین هستند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۲۸۳). امام علی (علیه السلام) درباره خوش‌بینی به توان خود می‌فرماید: «دانش خود را کم ندانید، در یقین خود تردید نکنید، زمانی که می‌دانید انجام دهید و زمانی که یقین دارید اقدام کنید» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۵۲۴). در متون اسلامی با عبارات مختلف بیان شده که «برای هر مشکلی راه حلی هست» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۶۱۵) اما جایی که راه حلی وجود ندارد چگونگی صبر بر این مسائل نیز نوعی حل مسئله است (محمد بن محمد، بی‌تا: ص ۲۳۴).

تاریخچه تحقیقات جدید درباره مهارت حل مسئله به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد. در این سال‌ها ویلیام جیمز و جان دیویی هرکدام به‌طور مستقل به مطالعه درباره حل مسئله پرداخته‌اند. دیویی، فرایند برخورد با شرایط زندگی را حل مسئله نامید. کتاب مستقل او درباره حل مسئله در سال ۱۹۳۳ و مراحل حل مسئله بر شمرده سرآغازی بر تحقیقات بعدی شد (بوتیا و اورزکو، ۲۰۰۹، هینر و همکاران، ۲۰۰۴).

پس از آن مراحل مختلفی برای حل مسئله در تحقیقات مدیریتی، تربیتی و روان‌شناسی عنوان شد. اما رویکرد شناختی-رفتاری دیزوریلا و گلدفرید (۱۹۷۱) درباره حل مسئله به دو جهت بیشتر

مورد پذیرش محققان و درمانگران واقع شد؛ نخست اینکه قبل از ایشان، تحقیقات جنبه‌های هیجانی و انگیزشی در حل مسئله را مدنظر قرار نمی‌دادند اما به‌وسیله این دوران شناس ابتدا به‌صورت مقدمه و بعد به‌عنوان یکی از ابعاد مقدم و مهم برای حل مسئله با عنوان «جهت‌گیری به حل مسئله» منظور شد. دوم اینکه مرحله‌ای که توسط این دوران شناس پایه‌ریزی و بعد از آن توسط دیزوریلا، نزو و مایدو (۱۹۸۲، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) برای حل مسئله طراحی و تکمیل شد به‌واسطه تخصصی و مجزای بودن مراحل آن و همراه داشتن مهارت‌هایی برای هر مرحله، مورد توجه درمانگران و محققان قرار گرفت تا براساس این مدل، آزمون‌های حل مسئله و تحقیقات بعدی را به جامعه علمی و درمانی عرضه کنند (هپنر و همکاران، ۲۰۰۴).

مدل اولیه مهارت حل مسئله (دیزوریلا و گلدفرید، ۱۹۷۱، دیزوریلا و نزو، ۱۹۸۲) دارای دو بعد مهم و تقریباً مستقل بود؛ ۱. نوع جهت‌گیری به مسئله و ۲. مهارت‌های حل مسئله که در بردارنده سبک‌های تکانشی/بی‌دقتی، اجتنابی و سبک حل مسئله منطقی است (دیزوریلا و نزو، ۲۰۱۰: ص ۲۰۰).

نوع جهت‌گیری به مسئله فرایندی فراشناختی است که در درجه اول نقش انگیزشی-هیجانی در حل مسئله دارد و در بردارنده مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های شناختی-رفتاری مرتبط به هم است که میزان آگاهی و ارزیابی‌های فرد از مسائل موجود در زندگی او و همچنین، درک و واکنش فرد را درباره مشکل نشان می‌دهد و درحقیقت نشان‌دهنده جهان‌بینی فرد به مسئله است (نزو و دیزوریلا، ۲۰۰۴: ص ۶).

«جهت‌گیری مثبت به مسئله» مجموعه‌ای از شناخت‌های سازنده است که تمایل عمومی فرد را به این موارد نشان می‌دهد؛ ارزیابی مبارزه‌طلبی از مسئله، باور به قابل حل بودن مسئله یا خوش‌بینی به نتایج، باور خود کارآمدی در حل مسئله، باور به اینکه حل مسئله موفقیت‌آمیز نیازمند زمان، تلاش و پایداری است، تلقین خود به تعهد بر حل مسئله به‌جای رهاکردن موضوع. همچنین، «جهت‌گیری منفی به مسئله» مجموعه‌ای از شناخت‌های ناکارآمد و بازدارنده است که همراه با گرایش‌های زیر است:

مسئله را یک خطر بزرگ اجتماعی، رفتاری و یا بهزیستی ببینند، در توانایی خود و دیگران برای حل موفقیت‌آمیز مسئله تردید دارد، هیجانات منفی و آشفتگی در رویارویی با مسائل زندگی را نشان می‌دهد و تحمل بلا تکلیفی و ناامیدی را ندارد (مک‌موران و مک‌گور، ۲۰۰۵: ص ۱۰۶).

«سبک تکانشی/بی‌دقتی» الگویی از حل ناکارآمد مسئله است. با این ویژگی که فرد تمایل زیادی برای اجرای تکنیک‌ها و فنون حل مسئله دارد اما این تلاش‌ها همراه با بی‌دقتی، بی‌فکری، شتاب‌زدگی، نقص و سطح پایین هستند (مایدو و رودریگز، ۲۰۰۰). «سبک اجتنابی» از دیگر

الگوهای ناکارآمد است که با طفره رفتن، منفعل یا معطل ماندن و وابستگی شناخته می‌شود. افراد اجتناب‌گر ترجیح می‌دهند تا به سمت مسئله نروند و تا جایی که امکان دارد از مسائل شخصی یا عمومی که انتظار پاسخ از ایشان می‌رود دور شوند. ایشان به جای اینکه به سرعت به حل آن بپردازند، منتظر می‌شوند تا مسائل خود به خود حل شوند و تلاش می‌کنند مشکلاتشان را به دیگری حواله کنند (واکلینگ، ۲۰۰۷).

«حل مسئله منطقی» شامل تلاش فرد برای تشخیص مسئله و یافتن راه حل‌های مؤثر یا روش‌های مقابله با آنها می‌شود. در این مدل، چهار مهارت حل مسئله معرفی می‌شود: ۱. تعریف و فرمول‌بندی مسئله با اجزا: جست‌وجوی واقعیت‌های در دسترس، توصیف واقعیت‌ها به زبان ساده، جداسازی فرضیات از واقعیات، هدف‌گذاری واقع‌گرا و قابل دستیابی و تشخیص موانع؛ ۲. تولید راه حل جایگزین به کمک تفکر خلاق و تکنیک بارش فکری؛ ۳. تصمیم‌گیری با استفاده از تفکر وسیله و هدف یا تحلیل سود و زیان؛ ۴. پیاده‌سازی و ارزیابی راه حل با چهار جزء؛ ترسیم نقشه اجرا، بازیابی پیامدها، ارزیابی میزان موفقیت، پاداش به خود در صورت موفقیت و یافتن مشکل فرایند حل مسئله در صورت عدم موفقیت (گلدفرید و دیویسون، ۱۳۷۱: ص ۷۴ و نزو و دیزوریا، ۲۰۱۲: ص ۱۹۸).

برای سنجش این مهارت آزمون‌های متعددی تدوین شده‌اند. با یک لحاظ می‌توان آنها را به آزمون‌های پیامدسنج یا فرایندسنج تقسیم کرد (دیزوریا و میدو، ۱۹۹۵). آزمون‌های فرایندی توانمندی یا ناکارآمدی فرد در گرایش‌ها یا مهارت‌های او در حل مسئله را می‌آزمایند اما آزمون‌های پیامدسنج کارکرد راه حل‌های فرد را در موقعیت خاص و برای مسائل خاص می‌سنجند. آزمون‌های پرکاربردی مانند حل مسئله اجتماعی تجدیدنظر شده (SPSI-R) «نزو و دیزوریا (۲۰۰۲)، پرسش‌نامه حل مسئله هپنر و پترسون (۱۹۸۲) جزء دسته اول به حساب می‌آیند و آزمون حل مسئله وسیله‌هدف پلت و اسپواک جزء آزمون‌های پیامدسنج‌ها شمرده می‌شوند.

در پرسش‌نامه حل مسئله مذهبی پارگامنت؛ پارگامنت و همکاران (۱۹۸۸) برای سنجش سه نوع سبک حل مسئله مشارکتی با خدا، خودهدایتی و واگذاری به خدا، آزمون حل مسئله مذهبی (RPSS) را تدوین کردند. آلفای کرونباخ برای سبک اشتراکی و خودهدایتی ۰/۹۴ و برای سبک واگذاری ۰/۹۱ به دست آمده است. در سبک حل مسئله اشتراکی حل‌کننده مسئله و خداوند به صورت اشتراکی مسئله را حل می‌کنند و مسئولیت آن نیز بر هر دو خواهد بود. در مقابل با سبک واگذاری فرد حل مسائل خود را به خداوند واگذار می‌کند و خود منتظر نتیجه می‌شود. فیلیس، پارگامنت و همکاران در تحقیق بعدی (۲۰۰۴) سبک خودهدایتی را به دو عامل تجزیه کردند: ۱.

«باور به رها بودن از طرف خدا»؛ ۲. «سبک حمایتی اما غیرمداخله‌ای خدا». آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۸۶ و برای عامل دوم ۰/۸۷ به دست آمد. نتیجه هم‌بستگی آزمون بازآزمون بعد از ۱۸ روز نیز ۰/۶۳ و ۰/۷۷ برای هریک گزارش شده است.

از طرف دیگر، برخی از این آزمون‌ها برای سنجش حل مسئله در محدوده‌های خاصی طراحی شده‌اند مانند پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی برای نوجوانان؛ نکت و بلک (۱۹۹۵، ۲۰۰۳)، پرسش‌نامه تکنیک‌های حل مسئله بین‌فردی؛ گتر و نوینسکی (۱۹۸۱)، پرسش‌نامه مسائل جوانان (هولین و پالمر، ۲۰۰۶)، ارزیابی مهارت‌های حل مسئله بین‌فردی دوناوه و همکاران (۱۹۹۰) و یا برای پوشش همه فرایند حل مسئله مانند حل مسئله اجتماعی تجدیدنظرشده نزو و دیزوریلا، پرسش‌نامه حل مسئله هینر و پترسون و سبک‌های حل مسئله کسیدی و لانگ (۱۹۹۶).

هینر و پترسون برای طراحی پرسش‌نامه حل مسئله از الگوی حل مسئله دیزوریلا و گلدفرید (۱۹۷۱) استفاده کرده و پنج مؤلفه را در طراحی آزمون در نظر گرفتند که عبارت‌اند از: جهت‌گیری در حل مسئله، تعریف مشکل، ارائه راه حل جایگزین، تصمیم‌گیری و ارزیابی. اما نتیجه تحلیل عاملی برای این آزمون، سه عامل کفایت حل مسئله، کنترل شخصی، گرایش یا اجتناب به مسئله را نشان داد (هینر و همکاران، ۱۹۹۷). پرسش‌نامه سبک‌های حل مسئله کسیدی و لانگ نیز تمامی مؤلفه‌های حل مسئله را پوشش نمی‌دهد. همچنین، به عقیده چنگ، دیزوریلا و سانا (۲۰۰۴) باقی آزمون‌های موجود برای سنجش حل مسئله از ویژگی‌های روان‌سنجی کافی به‌عنوان یک ابزار مؤثر بهره‌مند نیستند.

با توجه به اهمیت موضوع مهارت حل مسئله، تاکنون با توجه به منابع اسلامی تحقیقی در رابطه با تشخیص مؤلفه‌های سازه حل مسئله و تدوین پرسش‌نامه‌ای که توانمندی افراد را در حل مسائل نشان دهد، صورت نگرفته است. بر این اساس، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از ساخت پرسش‌نامه اولیه مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی و بررسی روایی و اعتبار آن؛ از این‌رو، این سؤال‌ها در مورد این پرسش‌نامه بررسی شده است: از منابع اسلامی چه ساختاری برای حل مسئله برداشت می‌شود؟ پرسش‌نامه اولیه مهارت حل مسئله از دیدگاه اسلام از چه میزان روایی و اعتبار بهره‌مند است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر در تقسیم با ملاحظه هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری (درمقابل کاربردی) به حساب می‌آید (دلاور، ۱۳۸۰: ص ۴۸). از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف،

دسته‌بندی، مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با «حل مسئله» استفاده شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۷۷). از این روش به‌عنوان توصیفی-تحلیلی نیز یاد می‌شود که در آن اطلاعات لازم درخصوص موضوعات و ریزموضوعات پژوهش از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب و نیز تأمل و کنکاش در داده‌های گردآمده و انجام برخی عملیات پژوهشی از قبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائه الگو انجام می‌پذیرد (قراملکی، ۱۳۸۳: ص ۳۴)؛ از طرف دیگر، از آنجاکه هدف نهایی این پژوهش ساخت یک آزمون در زمینه حل مسئله است، مستلزم ارزیابی روایی و اعتبار آن به‌صورت میدانی است؛ بنابراین، روش تحقیق در بخش دوم پژوهش، «زمینه‌یابی» («پیمایشی») خواهد بود (دلاور، ۱۳۸۴: صص ۱۷۵-۱۷۳).

علاوه‌براین، در بررسی روایی و اعتبار سازه حل مسئله اسلامی، از خبرگان علوم اسلامی استفاده شده و برای تحلیل نظرات ایشان از شاخص‌های آمار توصیفی و روش هم‌بستگی استفاده شده است.

جامعه آماری برای این پژوهش را دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی در تمامی مقاطع سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دهند. حجم این جامعه به‌طور تقریبی برابر ۲۰۰۰ نفر است. با توجه به اینکه این تحقیق مراحل ابتدایی ساخت آزمون مهارت حل مسئله را پی‌گیری می‌کند و اساس روش تحلیل داده‌های این تحقیق بر هم‌بستگی است؛ از این رو، تعداد ۱۰۰ نفر از این جامعه برای این منظور کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶: ص ۲۹۹). این تعداد آزمودنی به شکل تصادفی طبقه‌ای با میانگین سنی ۲۷/۶۴ و انحراف استاندارد ۴/۰۸۶ در تحقیق شرکت کردند.

ابزار پژوهش در این تحقیق آزمون محقق‌ساخته‌ای است که در فرایند تحقیق اعتبار و روایی آن محاسبه می‌شود؛ علاوه‌براین، برای محاسبه روایی ملاک برای این آزمون از نسخه تجدیدنظرشده پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی دیزوریل و نزو (۲۰۰۲) نیز استفاده می‌شود. این آزمون از پذیرفته‌ترین پرسش‌نامه‌ها برای سنجش حل مسئله است (صالحی و دیگران، ۱۳۸۸؛ واکلینگ، ۲۰۰۷). صحت اعتبار پنج بعد SPSS-R در نمونه‌ای از بزرگسالان (دیزوریل و همکاران، ۲۰۰۲) و نوجوانان (سادوسکی، مور و کلی، ۱۹۹۴) ارزیابی شد. صحت اعتبار نسخه ترجمه‌شده نیز با آزمودنی‌هایی از اسپانیا (میدو، رودریگز، گومز و دیزوریل، ۲۰۰۰)، آلمان (گراف، ۲۰۰۳)، بزرگسالان چینی (سو و شک، ۲۰۰۵) به‌دست آمد. نسخه کامل این آزمون در ایران توسط ثابت و همکاران (۱۳۹۰) با آزمون همتای سبک‌های حل مسئله کسیدی اجرا شد و نتیجه این تحقیق نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل‌های جهت‌گیری مثبت به مسئله،

جهت‌گیری منفی به مسئله، حل منطقی مسئله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی، به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۶، ۰/۹۰، ۰/۸۴ و ۰/۷۱ به دست آمده است. نتایج این پژوهش، ثبات ساختار عاملی پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی و اعتبار آن برای سنجش حل مسئله اجتماعی در دانشجویان ایرانی را نشان می‌دهد. در تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۱) همسانی درونی این پرسش‌نامه بالای ۰/۷ به دست آمد و نتیجه تحلیل عاملی نیز همین عوامل را نشان داده‌اند و با ترتیب بالا و با آلفای ۰/۷۲، ۰/۹۲، ۰/۹۵، ۰/۷۲ و ۰/۹۲ گزارش شده است.

برای گردآوری اطلاعات ابتدا به شیوه توصیفی-تحلیلی در منابع اسلامی به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نبودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه که مبتنی بر کلیدواژه‌های محدود نیست، آیات و احادیث مرتبط با موضوع از منابع دست اول شیعی و یا با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند جامع‌الاحادیث ۳/۵ و جامع‌التفاسیر ۳، شناسایی و استخراج شد. سپس با تجزیه و تحلیل مفاهیم و مضامین آنها و کشف روابط علی با تکیه بر تبیین‌های روان‌شناختی، به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی-حدیثی درباره آن تشکیل شد. در مرحله بعد با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی مورد بررسی و پالایش مجدد قرار گرفته و در نتیجه الگوی حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی ارائه شد. مطابق با مستندات منابع اسلامی و در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های زیر برای مراحل و ابعاد مهارت حل مسئله تدوین شد.

جدول ۱. فهرست مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های حل مسئله و مراحل حل مسئله براساس آیات و روایات

شماره	مؤلفه	تعریف	خرده‌مؤلفه
۱	آرام‌سازی	کنترل هیجانات مخرب و حفظ آرامش برای حل مسئله	
۲	شناخت و تعریف مسئله	درک حقیقت مسئله، ارائه تعریفی دقیق از آن و شناسایی مسئله اصلی، پیش‌فرض‌های فکری فرد در مورد مسئله و جمع‌آوری حقایق مخصوص به مسئله موردنظر است.	تشخیص و تعریف مسئله
			شناسایی علل
			شناسایی پیش‌فرض‌های فکری درباره مسئله
			جمع‌آوری اطلاعات درباره مسئله

توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله	شناسایی و تعیین اهدافی که بهتر است مسئله به سمت آنها حرکت کند و همچنین، موانعی که ممکن است در این مسیر وجود داشته باشد.	۳
توجه به اهداف مسئله خاص		
تشخیص موانع مسئله		
تفکر و مشورت	گذاشتن وقت کافی و مفید برای یافتن ایده‌های متنوع، نو و زیاد برای مسئله و استفاده از نظر افراد خبره	۴
تفکر خلاق و ارائه ایده‌های متنوع		
تصمیم‌گیری	روشی منطقی برای دستیابی به راه حل نهایی با کمترین پیامد نامطلوب و تنظیم فرایند اجرای راه حل انتخاب‌شده	۵
ارزیابی پیامدهای اجرای راه حل (یا راه حل‌ها)		
ترکیب ایده‌ها و انتخاب برنامه‌ریزی اجرای راه حل (یا راه حل‌ها)		
توکل و توسل	اعتماد، اطمینان و سپردن موضوع به خداوند و استمداد از خدا و مقربین به او برای رسیدن به هدف است	۶
دعا و توسل		
ارزیابی فرایند	یافتن نقاط مثبت و منفی و پیگیری چگونگی اجرای فرایند حل مسئله	۷
سبک اجتنابی	راهبردی مختل‌کننده و ناکارآمد در حل مسئله که با تعلل، انفعال، وابستگی و نگرانی مشخص می‌شود.	۸
سستی، اجتناب و تأخیر		
وابستگی		
سبک عجله‌ای	راهبردی ناکارآمد در حل مسئله که با تلاش‌های فعالانه برای رسیدن به هدف همراه است، اما این تلاش‌ها به شتاب، بی‌احتیاطی، و اجرای ناقص کار و مراحل منجر می‌شود.	۹
نگرانی و غصه		

باور به آزمایش بودن مسائل زندگی	مسائل زندگی را به اراده الهی و آزمایشی برای دستیابی به فرصت‌های دنیوی و اخروی بدانند و یا اینکه تهدیدی دائمی یا فراتر از توان به حساب آورد.	اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مسائل زندگی	۱۰
باور به اراده الهی در آزمایش‌ها (قضا و قدر)			
باور به عمومیت آزمایش‌ها			
باور به موقتی دانستن آزمایش‌ها			
باور به برابری آزمایش‌ها با توان			
توجه به خیر اخروی در آزمایش‌ها			
توجه به خیر دنیوی در آزمایش‌ها			
خوش بینی به حمایت الهی	داشتن نگاهی مثبت یا منفی به توان خود، حمایت خداوند، اتفاقات آینده، میزان حمایت و بازخورد دیگران و چگونگی نتیجه کار	خوش بینی یا بدبینی	۱۱
خوش بینی به عمل مؤمنین و افراد غیرخائن			
خوش بینی به توان خود			
خوش بینی به حل شدن یا کنار آمدن با مسئله			

دو مؤلفه آخر به عنوان جهت‌گیری به حل مسئله معرفی شدند. دو سبک ناکارآمد برخورد عجله‌ای با مسئله و اجتناب از مسئله و همچنین، برای فرایند صحیح حل مسئله مؤلفه‌های هفت‌گانه معرفی شد. به منظور سنجش درستی تنظیم مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌ها و همخوانی با مستندات این قسمت به همراه گویه‌ها برای ارزیابی به هشت کارشناس علوم اسلامی و روان‌شناسی ارسال شد، تا نظر خود را در دو قسمت: الف) مطابقت مستندات با مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌ها؛ ب) مطابقت گویه‌ها با مستندات ذکر شده در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) اعلام کنند.

یافته‌های تحقیق

هدف از این تحقیق، ساخت آزمونی است که به صورت کمی بتواند مهارت حل مسئله را براساس معیارهای مستفاد از منابع اسلامی اندازه‌گیری کند. برای رسیدن به این هدف، دو پرسش، بررسی

میزان روایی و اعتبار مقیاس مطرح شد. در ادامه، یافته‌های مربوط به دو پرسش ذکر شده ارائه می‌شود. به‌منظور بررسی روایی آزمون، از سه روش روایی محتوا، روایی وابسته به ملاک و روایی سازه استفاده شده است.

ارزیابی کارشناسان برای سنجش روایی صوری-محتوایی این پرسش‌نامه درباره مطابقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات طبق ساختار لیکرت با میانگین کل ۳/۶۲ (۹۰٪)، واریانس ۰/۲ و با انحراف استاندارد ۰/۲۷۹ نشان داد که از نظر کارشناسان خبره دین، مؤلفه‌های نظری مهارت حل مسئله اسلامی، در حد «خیلی زیاد» با آموزه‌های دینی مطابقت دارد. ضریب تطابق کندال ۰/۱۸۹ با مقدار مجذور کای ۴۵/۴۴، درجه آزادی ۳۰، در سطح معناداری ۰/۰۳۵، $p > 0.05$ نشان‌دهنده توافق مناسب و معنادار کارشناسان خبره در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است و روایی بالای محتوای آزمون را می‌رساند.

میانگین نمرات کارشناسان برای قسمت دوم یعنی مطابقت گویه‌ها با مستندات برابر با ۳/۵۱ (۸۷٪) با انحراف استاندارد ۰/۵۸ و واریانس ۰/۳۷ محاسبه شد؛ بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد «خیلی زیاد» با مستندات تطبیق دارند. ضریب کندال برای این گویه‌ها ۰/۱۷۰ و مقدار خی دو ۱۳۴/۳۲۱ با درجه آزادی ۹۹ و در سطح معناداری ۰/۰۱، $p > 0.01$ نشان‌دهنده معناداری روایی محتوای گویه‌های آزمون از نظر کارشناسان است. در این ارزیابی تعداد ۶ گویه از ۱۰۰ گویه، نمره‌ای کمتر از ارزش ۸۰ درصد را کسب کرده و حذف شدند. پس از اعمال نظرات کارشناسان، اصلاح و جابه‌جایی در گویه‌ها، پرسش‌نامه ۸۰ سوالی برای اجرای اولیه آزمون آماده شد.

برای بررسی روایی وابسته به ملاک، از آزمون حل مسئله اجتماعی (SPSI-R) نزو و دیزوریل استفاده شد. با اجرای هم‌زمان این آزمون با آزمون محقق ساخته، به بررسی میزان هم‌بستگی بین دو آزمون اقدام شد. نتایج نشان از هم‌بستگی معنادار این دو آزمون در سطح ۰/۰۱ برابر با ۰/۸۸ دارد.

جدول ۲. محاسبه ضریب هم‌بستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها

متغیر	۱ نمره کل حل مسئله اسلامی	۲ نمره کل حل مسئله نزو و دیزوریل
۱ نمره کل حل مسئله اسلامی		.۸۸**
سطح معناداری		.۰۰۰
تعداد		۱۰۰

۲	نمره کل حل مسئله نرو و دیزویلا	.۸۸**
	سطح معناداری	.۰۰۰
	تعداد	۱۰۰

برای برآورد روایی سازه، از روش محاسبه هم‌بستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها استفاده شد. به لحاظ نظری، آزمون باید با مؤلفه‌ها هم‌بستگی بالایی داشته باشد و مؤلفه‌ها با هم، هم‌بستگی اندکی داشته باشند. همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، این شرط تأمین شده است.

جدول ۳. محاسبه ضریب هم‌بستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱											
۲	.۸۱۱**										
۳	.۸۳۳**	.۵۹۲**									
۴	.۸۰۹**	.۶۲۰**	.۷۰۱**								
۵	.۷۴۳**	.۴۷۶**	.۸۳۳**	.۵۶۲**							
۶	.۷۹۲**	.۵۷۱**	.۸۴۲**	.۶۶۲**	.۷۶۰**						
۷	.۷۱۱**	.۵۰۳**	.۵۴۸**	.۵۹۶**	.۵۰۰**	.۴۷۹**					
۸	.۶۱۹**	.۴۵۰**	.۵۲۷**	.۵۴۱**	.۴۲۲**	.۵۰۰**	.۴۵۸**				

			۱	.۴۵۶**	.۳۷۸**	.۴۷۸**	.۳۷۹**	.۵۴۳**	.۵۱۴**	.۶۸۴**	.۷۵۷**	۹. سبک اجتنابی
		۱	.۵۶۵**	.۵۱۷**	.۴۱۳**	.۷۲۴**	.۶۷۲**	.۶۱۱**	.۷۱۰**	.۶۹۱**	.۷۱۲**	۱۰. سبک عجله‌ای
	۱	.۶۲۱**	.۶۰۸**	.۴۰۷**	.۵۷۲**	.۶۳۴**	.۶۷۵**	.۶۵۶**	.۶۶۱**	.۶۴۹**	.۸۵۳**	۱۱. آزمایش یا تهدید
۱	.۸۶۵**	.۵۳۷**	.۶۹۷**	.۵۱۵**	.۶۶۹**	.۴۹۰**	.۴۶۵**	.۶۱۹**	.۵۴۱**	.۷۲۱**	.۸۶۵**	۱۲. خوش بینی یا بدبینی

** = $p < 0/01$

نتایج جدول بالا بیانگر رابطه نسبتاً قوی مؤلفه‌ها با کل آزمون است. هم‌بستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر نسبتاً کم است که نشان‌دهنده استقلال مؤلفه‌ها از یکدیگر و اعتبار آزمون است. برای سنجش قابلیت اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی استفاده شد. به منظور برآورد همسانی درونی آزمون در این پژوهش، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. جدول ۳، نتایج ضرایب آلفای کرونباخ آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی

ضریب آلفای کرونباخ	آزمون و مؤلفه‌ها
۰/۹۶	کل آزمون مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی (۷۸ گویه)
۰/۷۳	کنترل هیجان (۴ گویه)
۰/۸۴	تعریف و تشخیص (۸ گویه)
۰/۷۰	توجه به اهداف و تشخیص موانع (۶ گویه)
۰/۷۷	تفکر و مشورت (۶ گویه)
۰/۸۳	تصمیم‌گیری (۶ گویه)
۰/۷۹	توکل و توسل (۵ گویه)
۰/۳۴	ارزیابی فرایند (۲ گویه)
۰/۷۷	سبک اجتنابی (۷ گویه)

۰/۶۶	سبک عجله‌ای (۴گویه)
۰/۸۵	اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مشکلات زندگی (۱۶گویه)
۰/۷۶	خوش‌بینی یا بدبینی (۱۲گویه)

تعداد دو گویه اگرچه بر اعتبار کل آزمون بی‌اثر بودند، با توجه به تأثیری که بر آلفای مؤلفه «اعتقاد به آزمایش یا تهدید» داشتند از آزمون حذف شدند.

روش دیگر برای محاسبه اعتبار این آزمون استفاده از روش دونیمه‌سازی اسپیرمن-براون و گاتمن بود. در جدول زیر مقادیر به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نمرات دونیمه‌سازی آزمون حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی

۰/۹۳	مقدار	نیمه اول	آلفای کروباخ
	تعداد گویه‌ها		
۰/۹۱	مقدار	نیمه دوم	
	تعداد گویه‌ها		
۷۸	مجموع تعداد گویه‌ها		
۰/۹۰	هم‌بستگی بین دو فرم		
۰/۹۵	تساوی تعداد گویه‌ها	ضریب اسپیرمن-براون	
۰/۹۵	عدم تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۹۴	ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن		

همچنین، در این تحقیق ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی نزو و دیزوریل با داده‌های زیر به‌دست آمده است.

جدول ۶. ضرایب آلفای کروباخ برای آزمون حل مسئله اجتماعی تجدیدنظرشده

آزمون و مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کروباخ
کل آزمون حل مسئله اجتماعی تجدیدنظرشده (۵۲گویه)	۰/۹۳
جهت‌گیری منفی به مسئله (۱۰گویه)	۰/۸۶
جهت‌گیری مثبت به مسئله (۳گویه)	۰/۳۵
سبک تکانشی بی‌دقتی (۱۰گویه)	۰/۸۳
سبک اجتنابی (۷گویه)	۰/۶۰

ضریب دونیمه‌سازی برای آزمون حل مسئله اجتماعی نزو و دیزوریا برای هر دو نیمه ۰/۸۸ نشان داده شد و ضریب اسپیرمن براون و گاتمن نیز ۰/۸۹ به دست آمده است.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی» بود. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاکی و سازه نشان داد این آزمون روایی لازم برای سنجش مهارت حل مسئله - مطابق با آنچه از اسلام برداشت شده - را دارد؛ به عبارت دیگر، این آزمون برای استنباط نمره حل مسئله پاسخ‌دهنده‌گان ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به حساب می‌آید. اعتبار آزمون نیز با روش همسانی درونی یا ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی محاسبه شد. نتایج بالا نشان دادند پرسش‌نامه اعتبار بالایی دارد؛ به عبارت دیگر، ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید است.

با توجه به نوع نگاه متون دینی به موضوع حل مسئله و ساختار و مراحل آن، تعریفی که برای آن برگزیده می‌شود عبارت است از: «فرایند تنظیم خلق و مقابله مؤثر با چالش‌های پیش‌رو بدون شتاب یا اجتناب، که طی این فرایند فرد یا افراد مسئله را آزمایش الهی دانسته و با خوش‌بینی منطقی برای رسیدن به هدف موردنظر اقدام می‌کنند». تفاوت فرایند حل مسئله در اسلام با حل مسئله در دیدگاه شناختی رفتاری دیزوریا در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۷. مقایسهٔ مراحل حل مسئله از نگاه اسلام و دیدگاه شناختی رفتاری دیزوربلا و گلدفرید

حل مسئله شناختی رفتاری		حل مسئله براساس اسلام	
اجزا	مؤلفه	خرده مؤلفه	مؤلفه
			کنترل هیجان
جست و جوی واقعیت‌های در دسترس توصیف واقعیت‌ها به زبان ساده جداسازی فرضیات از واقعیات هدف‌گذاری واقع‌گرا و قابل دستیابی تشخیص موانع	تعریف و فرمول‌بندی مسئله	تشخیص و تعریف مسئله	شناخت و تعریف مسئله
		شناسایی علل	
		شناسایی پیش فرض‌ها	
		جمع‌آوری اطلاعات	
		توجه به اهداف نهایی	توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله
		توجه به اهداف مسئله خاص	
		تشخیص موانع	
تولید راه حل جایگزین		تفکر خلاق و ارائه ایده‌های متنوع	تفکر و مشورت
		مشورت	
تصمیم‌گیری ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی		ارزیابی پیامد	تصمیم‌گیری
		ترکیب ایده‌ها و انتخاب	
		برنامه‌ریزی	
		توکل	توکل و توسل
		دعا و توسل	
ترسیم نقشهٔ اجرا	پیاپی‌سازی و ارزیابی راه حل	ارزیابی فرایند	
بازبینی پیامدها			
ارزیابی میزان موفقیت			
پاداش یا جریمه			

به عقیدهٔ فیلیپس، پارگامنت و همکاران (۲۰۰۴) سبک صحیح حل مسئله - طبق باورهای مسیحیت - «سبک مشارکتی» است که با اعتماد به نفس و رضایت از زندگی رابطهٔ مثبت داشته و با اضطراب و افسردگی هم‌بستگی منفی نشان داده است. این نتایج برای «سبک‌های واگذاری به خداوند و اعتقاد به ره‌اشدگی» از طرف خداوند برعکس به دست آمده است.

این ادعا که خداوند در افعال انسان به صورت عرضی شراکت دارد شرک به خدا بوده و این مدعا بر خداوند محال است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۵۸۱). همچنین، طبق این دیدگاه انسان مجبور به ارادهٔ خدا نیست تا مسائل خویش را به خدا واگذارد (همان) یا طبق سبک خودهدایتی و اجزای

آن، انسان در این دنیا رهاشده نیست - چه با نظارت و حمایت الهی یا بدون آن - تا همه افعال او تنها به اراده انسان صورت بگیرد، بلکه علم و اراده خدا در طول اراده انسانی بر وقوع فعل دخالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: صص ۴۵۰-۴۴۷).

براساس منابع اسلامی خداوند انسان‌ها را در معرض آزمایش‌های متنوع و متعددی قرار می‌دهد (الأنبیاء: ۳۵ و بقره: ۱۵۵) و ممکن است محکم‌ترین حل مسائل انسان‌ها را بی‌نتیجه کند تا میزان ایمان و توکل آنها را بیازماید (سیدرضی، ۱۴۰۴ق: ص ۵۵۶). در مقابل خداوند تبارک و تعالی توصیه می‌کند با بهره‌گیری از توکل و خوش‌بینی واقع‌بینانه مسائل خویش را به بهترین و متقن‌ترین شکل حل کنند و نتیجه را به خداوند بسپارند (مانند طلاق: ۳، کهف: ۲۴-۲۳ و کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۲ و ج ۵، ص ۵۷).

از محدودیت‌های این پژوهش ممکن نبودن بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون در نمونه گسترده‌تر با جامعه آماری متفاوت جهت غنای ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون و سنجش عامل‌های آن در فرایند تحلیل عاملی بود.

پیشنهاد می‌شود تا تحقیقاتی درباره موانع حل مسئله، راهبردهای اجرایی حل مسئله و مقدمات حل مسئله با توجه به منابع اسلامی صورت گیرد تا مهارت مهم حل مسئله برای فرایند درمان، آموزش و اجرا هرچه بیشتر تبیین شده و مورد استفاده قرار بگیرد.

کتابنامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. ۱۴۰۴ق. شرح نهج البلاغة لابن‌ابی‌الحدید. محقق ابراهیم. محمد ابوالفضل. ج ۱۰. قم. مکتبه‌آیه‌الله المرعشی النجفی.
۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی. ۱۳۶۳. تحف العقول. تصحیح علی‌غفاری. قم. نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. احدی، بتول و میرزایی پری، نریمان محمد، ابوالقاسمی عباس. ۱۳۸۸. «تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کم‌رو». پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال نهم. شماره ۳. صص ۲۰۲-۱۹۳.
۴. احمدی، خدابخش؛ فتحی‌آشتیانی، علی؛ اعتمادی، احمد. ۱۳۸۳. «بررسی تأثیر حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین». روان‌شناسی. سال هشتم. شماره ۳۲. صص ۴۰۳-۳۸۹.
۵. احمدی‌زاده، محمدجواد؛ احمدی، خدابخش؛ انیسی جعفر. ۱۳۹۱. «اثر بخشی درمان حل مسئله، مواجهه‌سازی و ترکیبی بر سازگاری جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه ناشی از جنگ». طب نظامی. دوره ۱۴. شماره ۳. صص ۱۸۵-۱۷۸.
۶. بیانی، علی‌اصغر؛ بیانی، علی. ۱۳۸۹. «ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه سیاهه حل مسئله اجتماعی (SPSI, RS)». روان‌شناسی تحولی. سال هفتم. شماره ۲۶. صص ۱۵۴-۱۴۷.
۷. پسندیده، عباس. ۱۳۹۰. رضایت از زندگی. قم. دارالحدیث. چاپ دهم.
۸. تیممی‌آمدی. ۱۴۱۰ق. غررالحکم و دررالکلم. تحقیق رجائی، سیدمهدی. قم. دارالکتب.
۹. ثابت، مهرداد؛ تقی‌لو، صادق؛ جمشیدی‌فر، زهرا. ۱۳۹۰. «ساختار عاملی روایی و اعتبار مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی فرم بلند تجدید نظر شده». فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال ۴. شماره ۱۳. صص ۱۵۶-۱۴۳.
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله. ۱۳۸۳. توحید در قرآن. قم. اسراء.
۱۱. _____ ۱۳۸۶. مراحل اخلاق در قرآن. تحقیق از علی‌اسلامی. قم. اسراء. چاپ هفتم.
۱۲. حجاری، سارا؛ امیری، شعله؛ محمدیان، احمدیار؛ ملک‌پور، مختار. ۱۳۸۵. «بررسی اثربخشی گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری زنان مبتلا به اختلال دوقطبی». تحقیقات علوم رفتاری. دوره ۴. شماره ۱ و ۲. صص ۵۸-۵۲.
۱۳. خوشکام، زهرا؛ ملک‌پور، مختار؛ مولوی، حسین. ۱۳۸۷. «اثر بخشی حل مسئله گروهی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با آسیب بینایی». پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال

۸. شماره ۲. صص ۱۵۶-۱۴۱.
۱۴. دلاور، علی. ۱۳۸۰. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران. نشر رشد.
۵۱. _____ ۱۳۸۴. احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران. نشر رشد.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۱۲ق. إرشاد القلوب إلى الصواب. قم. نشر الشریف الرضی.
۱۷. رسول‌زاده طباطبائی، سیدکام؛ باباپور، خیرالدین؛ جلیل‌اژه‌ای، جواد؛ فتحی‌آشتیانی، علی. ۱۳۸۲. «بررسی رابطه شیوه‌های حل مسئله و سلامت روان‌شناختی». مجله روان‌شناسی. شماره ۲۵. صص ۱۶-۳.
۱۸. زارعان، مصطفی؛ اسدالله‌پور، امین؛ بخشی‌پور، عباس. ۱۳۸۶. «رابطه هوش هیجانی سبک‌های حل مسئله و سلامت عمومی». روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. سال ۱۳. شماره ۲. صص ۱۶۶-۱۷۲.
۱۹. سرمد زهره، بازرگان عباس، حجازی، الهه. ۱۳۸۵. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران. انتشارات آگه.
۲۰. سید الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴ق. نهج البلاغة (للصبحی صالح). محقق فیض الإسلام. قم. نشر هجرت.
۲۱. شاطریان، فاطمه؛ شیخ‌رضایی، ملیحه؛ فرقدانی، آزاده؛ نیکوکار، اعظم. ۱۳۹۱. «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم تجدید نظر شده پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی در میان دانشجویان رشته ریاضی». پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. دوره ۲. شماره ۸. صص ۱۲-۱.
۲۲. شریعتمداری، مهدی. ۱۳۸۸. تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری. تهران. نشر کوهسار.
۲۳. شکوهی‌یکتا، محسن؛ پرند، اکرم. ۱۳۸۷. «آموزش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی». خانواده‌پژوهی. سال ۴. شماره ۱۳. صص ۱۶-۵.
۲۴. صالحی، مهدیه؛ کوشکی، شیرین؛ سپاه‌منصور، مژگان؛ ثابت، مهرداد. ۱۳۸۸. «تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی فرم کوتاه تجدید نظر شده». تحقیقات روان‌شناختی. دوره ۱. شماره ۳. صص ۳۹-۲۵.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل. ۱۳۷۰. مکارم الأخلاق. قم. نشر شریف‌رضی. چاپ چهارم.
۲۶. علیلو، مجید محمود؛ احمد، اسمعیلی؛ واحدی، حسین؛ رضایی، رسول. ۱۳۸۸. «بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی (اختلالات شخصیت) و سبک‌های حل مسئله در زندانیان مجرم». دو ماهنامه دانشور رفتار. سال ۱۶. شماره ۳۴. صص ۶۹-۶۱.
۲۷. قراملکی، احد. ۱۳۸۳. اصول و فنون پژوهش. قم. مرکز مدیریت حوزه علمیه.

۲۸. قورچیان، نادر قلی. ۱۳۷۹. جزئیات روش های تدریس. تهران. نشر اندیشه.
۲۹. کلینی، ۱۴۰۷ ق. اصول کافی. ۸ جلد. تصحیح غفاری و آخوندی. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. گلدفرد، ماروین آر؛ جرالده سی دیویسون. ۱۳۷۱. رفتار درمانی بالینی. ترجمه سید احمد احمدی علون آبادی. تهران. نشر دانشگاهی.
۳۱. محمد بن محمد، ابن اشعث. بی تا. جعفریات. تهران. نشر مکتبه نینوی.
۳۲. محمدی، نوراله. ۱۳۸۳. «رابطه سبک های حل مسئله با سلامت عمومی». فصلنامه روان شناسی. سال ۸. شماره ۳۲. صص ۳۳۶-۳۲۲.
۳۳. محمدی فریده و صاحبی، علی. ۱۳۸۰. «بررسی سبک های حل مسئله در بیماران افسرده و مقایسه آن با افراد نرمال». فصلنامه علوم روان شناختی. شماره ۱. صص ۴۲-۲۴.
۳۴. محمودی راد، مریم. ۱۳۸۱. «بررسی نقش آموزش مهارت های ارتباطی و حل مسئله اجتماعی در ارتقای سطح عزت نفس و رابطه آن با کارکردهای هوشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان». مجله بیماری های کودکان ایران. شماره ۱۳.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۳. آموزش فلسفه. ج ۲. تهران. نشر بین الملل. چاپ ششم.
۳۶. معتمدی، سیده هادی؛ حاج بابایی، حسین؛ بیگلریان، اکبر؛ فلاح، منیژه. ۱۳۹۱. «تأثیر آموزش مهارت های حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر». فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال چهارم. شماره ۱۴. صص ۲۹-۱۸.
۳۷. مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ ق. امالی. تحقیق استادولی و غفاری. بی جا. نشر کنگره شیخ مفید.
۳۸. نشاط دوست، حمید طاهر؛ کلاتری، مهرداد؛ پاشا سلطانی، حمید. ۱۳۸۰. «اثر بخشی آموزش روش حل مسئله در کاهش علائم کمبود توجه / بیش فعالی». تازه های علوم شناختی. سال ۳. شماره ۳. صص ۵۲-۴۶.
۳۹. نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل. ۲۸ جلد. قم. نشر آل البيت.
۴۰. هومن، حیدر علی. ۱۳۸۶. شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران. سمت.
۴۱. نرم افزار «جامع الاحادیث نسخه ۳/۵». قم. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴۲. نرم افزار «جامع التفاسیر نسخه ۳». قم. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

43. Allen, S. M, Shah, A. C, Nezu, A. M, Nezu, C. M, Ciambone, D, Hogan, J. 2002. "A problem solving approach to stress reduction among younger women with breast carcinoma: A randomized controlled trial". Cancer. v94. P 3089-3100.

44. Baker, Sarah. 2003. “**A prospective longitudinal investigation of social problem-solving appraisals on adjustment to university, stress, health, and academic motivation and performance**”. *Personality and Individual Differences*. 35. p 569–591.
45. Bell, A. C., & D’Zurilla, T. J. 2009. “**Problem- solving therapy for depression: A meta-analysis**”. *Clinical Psychology Review*. v29. P 348–353.
46. Belzera, D’Zurilla, Maydeu-Olivares. 2002. “**Social problem solving and trait anxiety as predictors of worry in a college student population**”. *Personality and Individual Differences*. v33. p 573–585.
47. Necht Frauenk, Black. 1995. “**Social Problem-Solving Inventory for Adolescents (SPSI-A): development and preliminary psychometric evaluation**”. *Journal of Personality Assessment*. v12. P 145-157.
48. Botía, M. L., & Orozco, L. H. 2009. “**Critical Review of Problem Solving Processes Traditional Theoretical Models**”. *International Journal of Psychological Research*. V2. N1. P 67-72.
49. Cassidy, T. 2002. “**Problem solving style, achievement motivation, psychological distress and response to a simulated emergency**”. *Counseling Psychology Quarterly*. 15. 4. p 325-332.
50. Cassidy Tony, and Clive Long, 1996. “**Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure**”. *British Journal of Clinical Psychology*. Volume 35. Issue 2. pages 265–277.
51. Chang, E. C., D’Zurilla, T. J., & Sanna, L. J. (eds). 2004. **Social problem solving: Theory, research and training**. Washington, DC: American Psychological Association.
52. Cook, Bryan G; Melody Tankersley; Timothy J Landrum. 2012. **Classroom behavior, contexts, and interventions**, Bingley, UK : Emerald.
53. Donahoe, Clyde P.; Carter, Michael J.; Bloem, William D.; Hirsch, Gaye L.; et al. 1990 “**Assessment of interpersonal problem-solving skills**”. *Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes*. Vol 53. Nov 4. P 329 – 33.
54. D’Zurilla & Nezu, problem-solving therapy. 2010. **Handbook of Cognitive behavior Therapy**, Dobson, Third Edition, Guilford press.
55. D’Zurilla, T. J., & Nezu, A. 1982. “**Social problem solving in adults**”.

- Advances in cognitive- behavioral research and therapy. Vol. 1. pp 202–274.
56. D’Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. 1999. **Problem- solving therapy: A social competence approach to clinical intervention**. 2nd ed. New York: Springer.
57. D’Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu- Olivares, A. 2002. “**Social Problem- Solving Inventory Revised: Technical manual**”. North Tonawanda, NY: Multi- Health Systems.
58. D’Zurilla, Thomas J, Alberto Maydeu-Olivares, David Gallardo-Pujol. 2011. “**Predicting social problem solving using personality traits**”. *Personality and Individual Differences*. V50. P 142–147.
59. D’zurilla Thomas J. Albert maydeu-olivares, *Conceptual and Methodological Issues in Social Problem-Solving Assessment*. Behavior therapy, 26, 409-432, 1995.
60. Dreer, L. E., Jackson, W. T., & Elliott, T. R. 2005. **Social problem solving, personality disorder, and substance abuse**. Chichester. UK: Wiley.
61. Dugas, M. J., Ladouceur, R., Léger, E., Freeston, M. H., Langlois, F., Provencher, M. D., et al. 2003. “**Group cognitive- behavioral therapy for generalized anxiety disorder: Treatment outcome and long-term follow-up**”. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 71. 82. p 821–825.
62. D’Zurilla, T. J., & Goldfried, M. R. 1971, “**Problem-solving and behavior modification**”. *Journal of Abnormal Psychology*. 78. P 107-26.
63. Necht Frauenk, M., & Black, D.R. 2004. “**Problem- solving training for children and adolescents**. In E. C. Chang, T. J. D’Zurilla, & L. J. Sanna (Eds.)”. *Social problem solving: Theory, research, and training* (pp. 153–170). Washington, DC: Ameri-can Psychological Association.
64. Getter, H., & Nowinski, J.K. 1981. “**A free response test of interpersonal effectiveness**”. *Journal of Personality Assessment*. 45. P 301 - 308.
65. Glynn, S. M., Marder, S. R., Liberman, R. P., Blair, K., Wirshing, et al. 2002. “**Supplementing clinic-based skills training with manual-based community support sessions: Effects on social adjustment of patients with schizophrenia**”. *American Journal of Psychiatry*. 159. P 829–837.
66. Graf, A. 2003, “**A psychometric test of a German version of the**